

بخش دوم

شرح کوتاهی از وقایع

خیزش اسلامی مردم در تونس

خیزش مردم تونس در روز ۲۶ آذر ۱۳۸۹ (۲۰ دسامبر ۲۰۱۰) آغاز شد؛ روزی که یک جوان دستفروش تونسی به نام «محمد البوعزیزی» در اعتراض به فقر و ظلم حکومت، خود را به آتش کشید.

۱. جرقه انقلاب‌های عربی

«طارق الطیب محمد البوعزیزی» (متولد ۲۹ مارس ۱۹۸۴ — متوفی ۴ ژانویه ۲۰۱۱) جوان یتیم و فقیری بود که از طریق دوره‌گردی و فروش میوه و سبزی، مخارج خود و خانواده‌اش را تأمین می‌کرد.^۱ وی بنا به اظهارات خانواده‌اش به مدت ۷ سال مورد ظلم و هجوم پلیس و شهرداری شهر "سیدی بوزید" قرار داشت. عوامل این دو سازمان به فرماندهی پلیس مؤنثی به نام «فادیه حمدی» و کارمندی به نام «صابر» به طور متوسط دو بار در هفته، میوه‌ها و سبزیجات محمد را ضبط می‌کردند.

۱. برخلاف آنچه در رسانه‌ها نقل و معروف شد، محمد البوعزیزی دارای تحصیلات عالیه نبود؛ بلکه به دلیل فقر و از دست دادن پدر، تحصیلات خود را در دوران دبیرستان رها کرده و مشغول کار شده بود.

بخش دوم: شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در تونس / ۶۳

در روز حادثه، مطابق معمول فادیه حمدی و دستیارش صابر، اجناس محمد را توقیف کردند. محمد توانست با وساطت دایی اش اموال ضبط شده را پس بگیرد؛ اما نیروهای پلیس ۱۰ دقیقه بعد برگشتند و دوباره سبزی ها را به جرم "نداشتن مجوزهای لازم" مصادره کردند. محمد البوعزیزی در حالی که مأیوسانه تلاش می کرد اموال خود را پس بگیرد با ضرب و شتم چهار پلیس مواجه شد و فادیه یک سیلی به صورت وی زد و به او گفت: «ارحل» یعنی «گم شو».^۱ صابر نیز با لگد وی را مورد ضرب قرار داد که به مجموع شدن و خونریزی محمد منجر گردید.

پس از این برخورد، محمد خود را به دفتر منشی شهرداری رساند تا شکایتی علیه فادیه و صابر ارائه کند. ولی منشی نیز به وی پاسخ داد: «با من حرف نزن، کثیف»!! محمد البوعزیزی تلاش کرد با مقامات بالاتر شهرداری و استانداری صحبت کند اما آنها حاضر به ملاقات با وی یا شنیدن سخنانش نشدند. وی مستأصل و عصبانی در حالی که هیچ راه چاره‌ای برای مشکلات و بدیختی روزافزون خود نمی‌دید تصمیم به خودکشی گرفت.

وی با ریختن نفت روی خود، خودش را در مقابل ساختمان استانداری سیدی بوزید به آتش کشید. عجیب اینکه کپسول آتش‌نشانی مستقر در ساختمان استانداری نیز که برای نجات محمد به محل آورده شد خالی بود!

محمد البوعزیزی ۱۸ روز بعد بر اثر شدت جراحات درگذشت؛ اما آتشی که وی بر جان خود زد پس از او به جان حکومت‌های دیکتاتور منطقه افتاد و همچنان ادامه دارد.

۲. آغاز تظاهرات

خودسوزی این جوان تونسی باعث شد که ابتدا دوستان و نزدیکان وی و سپس مردم دیگر دست به اعتراض و تظاهرات بزنند. مردم به خیابان ها آمدند، اعتراضات خیابانی اوج گرفت و به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد. مشت آهنین پلیس برای مقابله با مردم، باعث کشته شدن تعدادی دیگر شد و این خود منجر به خشم بیشتر مردم گردید و اعتراضات ادامه یافت.

۱. این کلمه (ارحل - گم شو) تبدیل به شعار انقلاب‌های عربی شد که به سقوط بن‌علی، مبارک و صالح انجامید.

۶۴ / فصل دوم: خیزش اسلامی مردم در تونس

تونس در ۲۳ سالی که از حکومت بن علی می گذشت هیچ گاه شاهد چنین حوادثی نبود. این کشور به باثبات‌ترین کشور آفریقایی معروف بود اما به یکباره با موجی از اعتراضات مردمی - خیابانی بی‌سابقه روبه‌رو شد که کسی انتظارش را از مردم تونس داشت. لذا بر اثر بی‌تدبیری و اهمال دولت در پاسخگویی به اعتراض‌های مردم، و با کشته‌شدن دهها نفر از معتضدان در حمله نیروهای امنیتی به تظاهرات‌کنندگان، سطح مطالبات روزبروز افزایش یافت و بالاخره به درخواست کناره‌گیری رئیس جمهور رسید.

۳. انقلاب کاملاً مردمی

انقلاب تونس را به طور خالص می‌توان "مردمی" نامید. هیچ کشور، حزب یا مجموعه سیاسی - فکری رهبری آن را برعهده نداشت. مردم حاضر در اعتراضات به طور عمده به حزب یا ایدئولوژی خاصی گرایش نداشتند بلکه افرادی از طیف‌های اجتماعی و سیاسی مختلف بودند، بدون اینکه حتی نماد، پرچم و عکس شخص یا گروهی را در دست داشته باشند. آنها تنها پرچم تونس و پلاکاردهای دست نوشته با خود داشتند و این موضوع در تمامی اعتراضات در همه شهرها به چشم می‌خورد.

در واقع، به دلیل خفقان و قلع وقمع شدیدی که در دوران دولت بن علی حاکم بود، افراد و احزاب مخالف در تونس و خارج از آن ضعیف بوده، از پایگاه مردمی مناسبی هم برخوردار نیستند. در نتیجه آنها قادر به کشیدن مردم به خیابان‌ها و رهبری انقلاب یا موج اعتراض بودند و حتی در انتخابات‌های گذشته از معرفی فردی قوی که توان رقابت با بن علی را داشته باشد عاجز بودند.

۴. درخواست‌های مردم

مطالبات مردم در روزهای نخست انقلاب، حل مشکل بیکاری و بهبود وضعیت معیشتی بود؛ اما این درخواست‌ها با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد. در نتیجه سطح مطالبات بالاتر رفت و بخش‌های دیگر را نیز شامل شد و در نهایت مردم به چیزی کمتر از کناره‌گیری رئیس جمهور راضی نشدند.

عمده‌ترین مطالبات مردم تونس را در سه عنوان زیر می‌توان خلاصه کرد:

بخش دوم: شرح کوتاهی از واقایع خیزش اسلامی مردم در تونس / ۶۵

۱ - ۴. مطالبات اقتصادی

تونس نسبت به شرایط و پتانسیل های خود به عنوان کشوری کوچک که از منابع زیرزمینی گستردگی بسیاری دارد نیست. نسبت به دیگر کشورهای شمال آفریقا یا عربی، شرایط بسیار بهتری داشت تا جایی که «زاک شیراک» رئیس جمهور سابق فرانسه به رشد اقتصادی تونس، لقب معجزه اقتصادی داده بود.

اما این معجزه نامتوان بود و سراسر کشور را در بر نمی گرفت.

۲ - ۴. مطالبات سیاسی

کشور تونس به لحاظ بسیاری از شاخص های توسعه انسانی نیز در میان کشورهای عربی یکی از پیشروترین کشورها بود و در واقع به لحاظ اصلاحات اقتصادی و اجتماعی گستردگی در مجموعه ای کشورهای جهان عرب و شمال آفریقا یک استثنای حساب می آمد. اما به لحاظ شاخص توسعه سیاسی همانند تمامی کشورهای جهان عرب، عقب مانده است. این کشور در دهه های گذشته و پس از کسب استقلال از فرانسه با مشت آهنین اداره، و احزاب و رهبران مخالف سرکوب شده اند.

دولت تونس در پنج دهه گذشته تقریباً به هیچ سازمان مردم نهادی اجازه ای رشد و بالندگی نداده است و احزاب و جمعیت های مستقل در این کشور اجازه فعالیت نیافتدند.

۳ - ۴. مطالبات مذهبی

یکی از مطالبات مردم تونس، داشتن آزادی انجام شعائر دینی و مذهبی بود. در این کشور اسلامی، مردم از نماز جماعت و مراسم دینی واقعی محروم بودند و مردان برای داشتن محاسن و زنان برای داشتن حجاب در تنگی قرار داشتند. به عنوان مثال، دانشگاه های تونس بنا به دستور وزارت آموزش این کشور موظف بودند تا از دختران تعهد بگیرند که در دانشگاه از پوشش اسلامی استفاده نکنند. آنها در زمان ثبت نام از دانشجویان دختر در فرمی تعهد می گرفتند که از پوشش اسلامی استفاده نکنند. پسران نیز می بایست از گذاشت ریش بپرهیزنند. این تعهدنامه همچنین دانشجویان را از پوشیدن هرگونه لباس محلی منع نموده و تأکید می کرد که: «دانشجویان باید با ریش های تراشیده و بدون حجاب وارد دانشگاه ها شوند. هر کس که با این تعهدات مخالفت کند از ثبت نام در مراکز آموزش عالی محروم شده و در صورت ضرورت به دستگاه های قضایی معرفی می شود». در این تعهدنامه همچنین متعهد ملتزم می شد که از هرگونه فعالیت سیاسی در دانشگاه اجتناب کند.

۶۶ / فصل دوم: خیزش اسلامی موردم در تونس

رژیم تونس در کنار تنگناهایی که برای مؤمنان سنی ایجاد می‌کرد، مانند بقیه کشورهای دیکتاتوری منطقه، به "شیعه‌هراسی" نیز دامن می‌زد. مثلاً هفته‌نامه الوطن تونس در جولای سال ۲۰۰۷ با چاپ مقاله‌ای با عنوان "چگونه شیعه شدند و ... چرا؟" ضمن چاپ عکس ۹ نفر از شیعیان تونس - مانند «دکتر تیجانی» و «مبارک بغداد» - به مسائلی مانند تعریف شیعه، کیفیت انتشار تشیع در تونس، مشکلات شیعیان تونس و ازدواج موقت، پرداخت و تلاش نمود بین مسلمانان تونس فتنه‌انگیزی کند.^۱

در طول انقلاب، عکس معروفی در رسانه‌های جهان منتشر شد که عده‌ای از جوانان در خیابان به نماز جماعت ایستاده بودند. این عکس، به نماد بیداری اسلامی انقلاب‌های عربی تبدیل شد و نشان داد که با خروش ناگهانی تونس علیه ۲۲ سال دیکتاتوری بن‌علی، چگونه مردم این کشور که سالها با محدودیت‌های شدید دینی مواجه بودند، بار دیگر لذت دینداری را چشیدند. آنها با برپایی نماز در خیابان‌ها به جهانیان نشان دادند که همچنان به آموزه‌های اسلام پای می‌فشرنند.

۵. اسلحه موردم؛ موبایل، اینترنت، ماهواره

در ابتدای شکل‌گیری انقلاب تونس، اکثر قریب به اتفاق شبکه‌های کشورهای عربی، اسلامی و غربی به دلیل رابطه خوب با دولت تونس، از پوشش حوادث این کشور خودداری کردند. دولت نیز، خبرنگاران را از رفتن به شهر یا شهرهای محل اعتراض و تهیه گزارش و فیلم و عکس منع می‌کرد؛ لذا آنچه از این شهرها منعکس می‌شد تنها اخبار منابع غیررسمی و فیلم‌هایی غیرحرFFE ای بود که به وسیله گوشی‌های موبایل ضبط شده و به سایت‌های اینترنتی مخالفان دولت تونس و شبکه‌های اجتماعی - نظیر یوتیوب و فیسبوک - راه می‌یافتدند.

تشخیص صحت اظهارات منابع آگاه و این فیلم‌ها کاری بود که تنها "شبکه الجزیره" آن را انجام می‌داد. این روند تا جایی ادامه یافت که خبرنگار الجزیره از تونس اخراج و دفتر این شبکه تعطیل شد. با این حال، الجزیره همچنان به پوشش انقلاب تونسی‌ها ادامه داد.

۱. حسینی عارف؛ سید علیرضا؛ تشیع در تونس؛ مجله گنجینه مجمع؛ ش ۱۸ و ۱۹؛ ص ۶۱.

بخش دوم: شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در تونس / ۶۷

کم کم دیگر رسانه‌ها – به ویژه رسانه‌های عربی و فرانسوی – وارد این ماجرا شدند و آنها نیز به انتشار فیلم‌های موبایلی اعتراضات خیابانی مردم در شهرهای مختلف تونس پرداختند. این پوشش رسانه‌ای علاوه بر آگاه کردن مخاطبان رسانه‌ها در کشورهای مختلف، مردم شهرهای تونس را از حجم اتفاقاتی که در کشورشان رخ می‌داد آگاه می‌کرد تا تبلیغات دولتی که معتبرسان را گروهی کوچک و تروریست می‌خواند باور نکنند.

تا روز آخر انقلاب، تقریباً همه کلیپ‌های منتشره در اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای، فیلم‌هایی بودند که با موبایل ضبط شده بودند. رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی که هر دو از کنترل دولت تونس خارج بودند روز به روز بر حجم مطالب درباره اعتراضات مردمی اضافه می‌کردند. این روند، چرخه‌ای رو به شتاب را ایجاد کرد: یعنی اعتراضاتی انجام می‌شد، این اعتراضات در رسانه‌ها بازتاب می‌یافت و همین اطلاع‌رسانی بر حجم اعتراضات می‌افزود. مردم تونس به دو زبان عربی و فرانسه سخن می‌گویند و این عامل باعث دسترسی و بهره‌مندی حداکثری آنها از رسانه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی شد.

نهایتاً کار به جایی رسید که حتی شبکه‌هایی مانند "العربيه" یا "فرانس ۲۴" که حامی جدی دولت تونس بودند نیز وارد این چرخه اطلاع‌رسانی شدند. البته دولت تونس از همان ابتدا سایتها خبری مخالف و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی – مانند فیسبوک – را فیلتر کرد؛ ولی با وجود فناوری‌های گسترده این فیلترینگ موقتی در پی نداشت.

۶. سکوت مدعیان حقوق بشر

جالب اینکه در تمام این مدت، مقامات کشورهای اروپایی و آمریکایی درباره نقص فاحش حقوق بشر و سرکوب معتبرسان در تونس، واکنش مناسبی از خود نشان ندادند. همین موضوع بارها با انتقاد گسترده فعالان حقوق بشر روبه رو شد.

۷. عقب نشینی‌های دیرهنگام

زین العابدین بن علی بعد از گسترش اعتراضات، سعی کرد امتیازهایی را به معتبرسان بدهد اما این امتیازات همگی دیرهنگام و بی فایده بودند.

۶۸ / فصل دوم: خیزش اسلامی مردم در تونس

رئیس جمهور تونس در طول اعتراضات یک ماهه، وزیر امور جوانان، استاندار سیدی بوزید (محل حادثه خودسوزی)، وزیر امور سرمایه‌گذاری، وزیر کشور، مشاور سیاسی و سخنگوی رئیس جمهور را برکنار کرد. وی به عیادت البوعزیزی که سرتا پا پانسمان شده بود رفت و حتی در نهایت کابینه و پارلمان را منحل کرد؛ اما هیچیک از این اقدامات چون در زمان مناسب خود صورت نگرفت در آرام کردن مردم تأثیر نداشت.

۸. پیروزی انقلاب

انقلاب تونس از آغاز تا پیروزی، کمتر از یک ماه طول کشید. این انقلاب در روز ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ آذر) با خودسوزی بوعزیزی آغاز و در تاریخ جمعه ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی (۲۴ دی ۱۳۸۹) با فرار رئیس جمهور زین العابدین بن علی و خانواده‌اش به عربستان سعودی، به پیروزی رسید.

۹. نقش ارتش

بدون شک یکی از دلایل اصلی پیروزی سریع انقلاب‌های تونس و مصر ، موضع ارتش این دو کشور نسبت به انقلاب بود.

در تونس زمانی که رئیس جمهور از ارتشیان خواست که به سوی اعتراض‌کنندگان شلیک کنند، آنها نه تنها این کار را نکردند بلکه سرانجام با دادن اولتیماتوم ۲۴ ساعته به بن علی، وی را مجبور به فرار کردند.

در مصر نیز - همانگونه که در فصل بعد خواهیم دید - بی‌طرفی ارتش در روزهای انقلاب، برگ برندۀ مهمی برای پیروزی انقلابیون بود.

۱۰. پس از انقلاب

بعد از گریختن بن علی، «محمد الغنوشی» نخست وزیر وی اداره امور کشور را به عهده گرفت، اما اعتراضات به الغنوشی و نیز مغایرت ریاست وقت وی با قانون اساسی تونس سبب شد که «محمد فؤاد المبزع» ریاست جمهوری کشور را به طور مؤقت و تا هنگام برگزاری انتخابات زودهنگام بر عهده گیرد.

بخش دوم: شرح کوتاهی از وقایع خیزش اسلامی مردم در تونس / ۶۹

همین تغییر، اصلاحات سریعی در تونس ایجاد کرد؛ یعنی منجر به آزادی رسانه‌ها، مشارکت سیاسی مردم، بازگشت رهبران تبعیدی - از جمله «راشد الغنوشی» اسلام‌گرای معروف - و خلع ید جمعی از مفسدان اقتصادی از منابع و ثروت‌های عمومی شد. همچنین نگاه دولت را به سمت کاهش بیکاری و رسیدگی به وضعیت اقتصادی بخش مهمی از مردم جلب کرد.

این تغییرات مهم، با حداقل تغییرات در ساختار حکومتی انجام شد. تنها شخص رئیس جمهور و نزدیکان وی از چرخه حکومت کنار گذاشته شدند ولی نخست وزیر و سایر وزرا و مقامات همان رئیس جمهور همچنان در حال فعالیت هستند و طبقه تکنوکرات‌های موجود در قدرت به بهانه دفاع یا حمایت از بن علی از قدرت خلع نشدن. ساختار اداری یا حکومتی تغییر داده نشد. فعلًاً ارتش، پلیس و سازمان امنیتی در جای خود مانده‌اند. دادگاه‌ها، نهادهای مالی و پولی، شرکت‌ها و سازمان‌های مختلف هر یک با کارمندان و مدیران خود باقی مانده‌اند ولی تغییر روبه داده‌اند.

باقی ماندن مقامات سابق بر سر پست‌های خود گرچه اعتراضات مردم را به همراه دارد و گهگاه شورش‌هایی نیز انجام می‌شود، اما باعث شده است که کشور از غارت همه جانبه و هرج و مرج گستردگی در امان باشد.

۱۱. انتخابات برای تونس جدید

تونسی‌ها از اینکه شخصیت‌های باقیمانده از رژیم بن علی هنوز بر مسند قدرت هستند، خشمگین‌اند و نگرانند که انقلاب آنها ربوه شود. اینگونه نگرانی‌ها به تظاهرات و اعتراضات گاه و بیگانه منجر شده و می‌شود. یکی از این اعتراضات، تظاهرات ضد دولتی بزرگی که در اوایل اسفند ۱۳۸۹ در برابر مقر نخست وزیر و در اعتراض به دولت وقت برگزار شد و دولت وقت تونس را مجبور کرد که اعلام کند انتخابات برای تعیین ساختار جدید تونس، در ۲۴ جولای ۱۱ (۲۰ مرداد ۱۳۹۰) برگزار خواهد شد. در آن تظاهرات بیش از ۱۰۰ هزار نفر شرکت کرده بودند و از آن به عنوان بزرگ‌ترین تجمع ضد دولتی علیه دولت انتقالی از زمان سقوط رژیم بن علی یاد شد.

اما مدتی بعد «باجی قائد السبسی» نخست وزیر دولت وقت گفت: «اگر چه دولت هنوز تلاش می‌کند انتخابات را در تاریخ مقرر برگزار کند اما شاید به دلیل بروز مشکلات فنی، انتخابات مجمع تدوین قانون اساسی جدید در ۲ مرداد برگزار نشود».

۷۰ / فصل دوم: خیزش اسلامی مودم در تونس

السبسی در حالی این تشکیک را مطرح کرد که تونس در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۰ شاهد تظاهرات پی‌درپی جوانان تونسی علیه دولت این کشور بود که نسبت به وعده‌های دولت موقت تونس مبنی بر اجرای دموکراسی در کشور بدین هستند. تظاهر کنندگان همچنان به حضور چهره‌های وفادار به رژیم زین‌العابدین بن علی رئیس جمهور مخلوع تونس در دولت جدید و موقت این کشور، معارض بوده و خواستار استعفای آنان هستند. اما آنچه مسلم است اینکه ملت تونس هرگز بازگشت به گذشته را نخواهد پذیرفت. این سخنی است که «مولدی کفی» وزیر امور خارجه دولت انتقالی تونس نیز بر آن تأکید کرده و افزوده است: «در سال‌های گذشته اقتصاد تونس به صورت منظم حدود پنج درصد در سال رشد داشت؛ اما بن علی و خانواده او به واسطه کارهایی که انجام دادند، از رشد و شکوفایی بهتر اقتصاد کشور ما جلوگیری کردند. ما ۲۳ سال حکومت دیکتاتوری بن علی را تحمل کردیم و من اعتقاد دارم که ما باید هنوز دو، سه، چهار یا پنج سال دیگر صبر کنیم تا بتوانیم دموکراسی را به صورت کامل در کشور برقرار کنیم».

۱۲. محاکمه غیابی بن علی و همسرش

در تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، دولت جدید تونس، حکم بازداشت بین‌المللی زین‌العابدین بن علی و برخی از اعضای خانواده‌اش - از جمله همسر قدرتمندش «لیلا ترابلسی» - را صادر کرد.

پس از گذشت ۶ ماه از فرار دیکتاتور تونس به عربستان، اولین جلسه محاکمه غیابی وی و همسرش روز ۳۰ خرداد ۱۳۹۰ برگزار شد. برخی اتهامات آنان عبارت است از: قتل، شکنجه، پولشویی، قاچاق مواد مخدر، حمل غیرقانونی سلاح، کسب درآمدهای نامشروع، سوء استفاده ملی، کشف میلیون‌ها دلار پول نقد و جواهرات در کاخ ریاست جمهوری، دخالت در کشتار ۳۰۰ نفر از معتضدان در جریان قیام، معاملات ملکی غیر قانونی و انتقال دارایی مردم تونس به خارج از کشور.

در زمان چاپ کتاب حاضر، بن علی با همسر خود در ولایت در شهر جده زندگی می‌کند. علیرغم اینکه مقامات تونس بارها از عربستان سعودی خواسته‌اند بن علی را تحویل دهد مسئولان سعودی که همواره حامی و پذیرای دیکتاتورها بوده‌اند در خواسته‌های تونس برای استرداد رئیس جمهور سابق این کشور را رد کرده‌اند.